



The Roles of Parenting Styles of Mothers in Predicting Behavioral Problems in Adolescents

Nadereh Saadati[✉], Sahar Berenji, Ali Aghaziarati

Abstract

Background and Aim: The present study aimed to investigate the roles of parenting styles in predicting behavioral problems in adolescents in Isfahan. **Methods:** In the present descriptive-analytical study, we selected 120 mothers with adolescent children who visited counseling centers in Isfahan from November to February 2019 using purposive sampling, and they responded to Baumrind Parenting Style Inventory (1973) and the Achenbach's Child Behavior Checklist (CBCL) (parental form). We analyzed data using multiple regression and correlation coefficients. **Results:** The results indicated that there were significant negative relationships between isolation/depression and aggressive behavior with a permissive parenting style, and between social problems and rule-breaking behavior with an authoritarian parenting style. The permissive parenting style could predict isolation/depression ($P=0.05$) and aggressive behavior ($P=0.01$). The authoritarian parenting style also predicted social problems ($P=0.01$) and rule-breaking behavior ($P=0.01$), and the authoritative parenting style predicted aggressive behavior ($P=0.05$). **Conclusion:** The results indicated that permissive and authoritarian parenting styles led to more psychological feedback of adolescents with isolation/depression problems, social problems, rule-breaking behavior, and aggressive behavior.

Received: 04.06.2020

Revision: 14.08.2020

Acceptance: 30.08.2020

Keywords:

Parenting styles, Behavioral problems, Rule-breaking behavior, Aggressive behavior

How to cite this article:

Saadati, N., Berenji, S., Aghaziarati, A. The Roles of Parenting Styles of Mothers in Predicting Behavioral Problems in Adolescents. *Jayps*, 2021, 1(1): 61-69

Article type

Original research

1. Nadereh Saadati, PhD in Counseling, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran; **2. Sahar Berenji**, M.A in counseling, Allameh Tabatabai, Tehran, Iran, **3. Ali Aghaziarati**, PhD student in the Department of Child Psychology with Special Needs, University of Isfahan, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to Nadereh Saadati, Lecturer, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran
Email: dr.nsaadati@gmail.com

بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان

نادره سعادت[✉]، سحر برنجی، علی آقازارتی

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سبک‌های فرزند پروری در پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان شهر اصفهان بود. **روش پژوهش:** این مطالعه که از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است؛ از بین مادران دارای فرزند نوجوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان در بازه زمانی آبان تا بهمن ۱۳۹۸، ۱۲۰ مادر به شیوه هدفمند انتخاب و به پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامرید (۱۹۷۳) و مشکلات رفتاری آخنباخ (فرم والدین) پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضرایب همبستگی و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که گوشه‌گیری/افسردگی و رفتار پرخاشگرانه با شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و بین مشکلات اجتماعی، رفتار قانون‌شکنی با شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه منفی معناداری دارد؛ همچنین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه توانست گوشه‌گیری/افسردگی ($P=0/05$) و رفتار پرخاشگرانه ($P=0/01$) را پیش‌بینی کند؛ شیوه فرزند پروری مستبدانه نیز مشکلات اجتماعی ($P=0/01$) و رفتار قانون‌شکنی ($P=0/01$) و شیوه فرزند پروری مقتدرانه رفتار پرخاشگرانه ($P=0/05$) را پیش‌بینی کردند. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری سهیل‌گیرانه و مستبدانه بر روی بازخورد فردی روان‌شناختی نوجوانان با مشکلات گوشه‌گیری/افسردگی، مشکلات اجتماعی، رفتار قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگرانه بیشتری همراه است.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

اصلاح مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴

پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

واژه‌های کلیدی:

سبک‌های فرزندپروری - مشکلات رفتاری، رفتار قانون‌شکنی، رفتار پرخاشگرانه

نحوه ارجاع دهی به مقاله:

سعادت، ن.، برنجی، س.، و آقازارتی، ع. (۱۳۹۹). نقش سبک‌های فرزند پروری در پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان *دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۱(۱): ۶۱-۶۹

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

۱. نادره سعادت، دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران؛ ۲. سحر برنجی، کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛ ۳. علی آقازارتی، دانشجوی دکتری گروه روانشناسی کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان، ایران

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به نادره سعادت، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران باشد.

پست الکترونیکی: dr.nsaadati@gmail.com

مقدمه

نحوه ارتباط والدین با کودکان قوی‌ترین عامل مؤثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می‌شود، خصوصاً در دوره‌هایی از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می‌شود. تحقیقات پیرامون آسیب‌های روانی کودکان نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشأ ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان آن‌ها می‌شود استفاده می‌کنند (۱). والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثبات‌اند، در نحوه تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند، از الگوهای فرزند پروری مبتنی بر طرد، حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال‌جویی‌های غیرمنطقی و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده می‌کنند، رفتارهای نوروتیک را در کودکان تثبیت می‌کنند و سبب می‌شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود، ناکام بمانند (۲). بر سر این نکته که تجربه تعارض بین والدین با رشد اجتماعی کودک رابطه‌ای منفی دارد توافق همگانی وجود دارد. با افزایش تعارض بین والدین، رفتار کودکان مسئله‌سازتر می‌شود. پژوهشگران نشان می‌دهند کودکانی که پیوسته شاهد تعارضات والدینشان بوده‌اند آشفتگی‌های روانی بیشتری را طی سال‌های بعد از خود نشان می‌دهند. رابطه بین افزایش تعارض زناشویی و مسائل کودک ظاهراً تا نوجوانی ادامه می‌یابد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افسردگی، انزوا، رفتار ضداجتماعی، رفتار تکانشی و بیش‌فعالی در نوجوانان با افزایش تعارض در زناشویی والدین رابطه مستقیم دارد (۳).

خانواده‌ها در پرورش فرزندان خود شیوه‌های فرزندپروری متفاوتی را به کار می‌گیرند. شیوه‌های فرزند پروری به معنی روش‌ها و الگوهای نسبتاً پایدار والدین برای ارتباط اعضای خانواده است و جریان تأثیرگذار و تأثیرپذیری متقابل را فراهم می‌آورد (۴). بامریند (۵) سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند و با توجه به ابعاد رفتاری گرمی و کنترل آن را به

انواع مستبدانه (Authoritarian)، مقتدرانه (Authoritative) و سهل‌گیرانه (Permissive) تقسیم می‌کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می‌گردد. والدین با این سبک فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آن‌ها را بی‌چون و چرا برآورده کنند (۶ و ۷). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند (۸) و خودپیروی کودکان‌شان را محدود می‌کنند و خودشان تصمیم می‌گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است (۹).

سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند. آن‌ها در عین حال که بر رفتارهای کودکان‌شان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند. این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، اتکای به خود بالاتر، و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (۵ و ۷). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود؛ والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (۱۰). والدینی که از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می‌کنند. هر چند ممکن است این والدین، با عاطفه باشند، ولی شکست آن‌ها در نظم‌دهی به رفتار کودکان‌شان می‌تواند به عزت نفس پایین منجر شود، زیرا کودکان نیز در یادگیری شکل‌های مناسب خود نظم‌بخشی با شکست مواجه می‌شوند (۱۱).

توجه به اینکه بی‌شک شرایط روانی کودکان بدون تغییر در کارکرد خانواده‌ها، قادر به تغییر نخواهد بود و در اصلاح رفتار کودکان باید رابطه متقابل و پیچیده میان مشکلات رفتاری کودکان و متغیرهای خانواده مورد توجه قرار گیرد؛ لذا این پژوهش با هدف بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان شهر اصفهان را مورد پژوهش قرار می‌دهد.

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری مادران دارای فرزند نوجوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود که به دلیل تعارض و مشکلات ارتباطی با فرزند نوجوان خود در بازه زمانی آبان تا بهمن ۱۳۹۸ به این مراکز مراجعه کرده بودند. نمونه‌های این پژوهش بدین صورت انتخاب شدند که پس از مطالعه پرونده‌های فرزندان این مادران، نوجوانانی که تشخیص مشکلات رفتاری در پرونده آن‌ها نوشته شده بود انتخاب و پس از مکاتبه با مادران این نوجوانان، ۱۲۰ نفر از مادران با پژوهشگر همکاری نمودند.

روش اجرای پژوهش

پس از شناسایی و انتخاب نمونه‌های پژوهش و کسب رضایت از مادران، پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری آخباخ (فرم والدین) در اختیار آن‌ها قرار گرفت که پس از تکمیل و بررسی ۱۲ پرسشنامه به دلیل مخدوش بودن و ناقص پر شدن کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۰۸ پرسشنامه مادران وارد تحلیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه بیست و دو با آزمون‌های معناداری ضرایب همبستگی و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۵) طراحی و توسط حسین پور (۲۳) ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است

نحوه تربیت و سبک فرزندپروری والدین، یکی از مهم‌ترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان محسوب می‌شود (۱۲ و ۱۳). سبک فرزندپروری مستبدانه والدین با پیامدهای رفتاری منفی همچون پرخاشگری (۱۴)، اختلال‌های برون‌نمود (externalized) و درون‌نمود (externalized)، و کارکرد هیجانی پایین‌تر در ارتباط است (۶ و ۷). کودکان این والدین به مشارکت و همکاری تمایلی ندارند و از عزت نفس پایین، افسردگی و مشکلات در تصمیم‌گیری در سنین بزرگسالی رنج می‌برند (۱۵). این کودکان مطیع و پیرو، دارای پیشرفت تحصیلی و ادراک خود پایین، و سطوح بالای اختلال‌های روانی و جسمی هستند (۱۶). مطالعاتی که در زمینه کودکان پیش‌دبستانی انجام شده است، نشان می‌دهند در خانواده‌هایی که کودکان دچار مشکلات رفتاری هستند، عقاید تربیتی اقتدارگرای زیاد (۱۷)، منفی‌گرایی مادرانه بیش از حد و سردی در روابط والد-کودک (۱۸) دیده می‌شود و شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران منجر به افزایش هیجان‌های منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان می‌شود (۱۹). سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه منفی دارد (۲۰)، کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی-هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند (۲۱)، از عزت نفس بالایی برخوردارند و گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی، و کنجکاوی در آن‌ها زیاد است (۱۵). کودکان چنین والدینی دارای سطوح بالای شایستگی، پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی و خودادراکی هستند (۲۲) و مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کمتری را نسبت به دو سبک دیگر نشان می‌دهند (۱۵). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به علت فقدان نظارت از طرف والدین با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان (۷) و پیشرفت تحصیلی ضعیف، بزهکاری زیاد و عملکرد پایین روان‌شناختی (۱۰) ارتباط دارد. کودکان با والدین سهل‌گیر مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس پایینی دارند (۹) و اغلب خودخواه، وابسته، و ضد اجتماعی به نظر می‌رسند. متخصصان و روانشناسان کودک علت بسیاری از ناهنجاری کودکان را روش‌های فرزندپروری والدین می‌دانند و بر تأثیر وقایع و رویدادهای دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت افراد و زندگی آینده‌ی آن‌ها تأکید می‌کنند. با

اجتماعی، رفتار قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگرانه استفاده شد. نمره‌گذاری مقیاس مشکلات رفتاری آخنباخ به صورت ۳ گزینه‌ای نادرست=۰، تا حدی درست=۱ و کاملاً درست=۲ صورت می‌گیرد. آخنباخ و رسکورلا (۲۵) روایی مقیاس را با استفاده از شیوه تحلیل عاملی و روش مؤلفه‌های اصلی، مطلوب گزارش کرده است و پایایی مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۵۹ الی ۰/۸۶ و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۹۱ به دست آورده‌اند. مقیاس مشکلات رفتاری آخنباخ در شهر تهران توسط سازمان آموزش و پرورش استثنایی هنجار شده است (۲۶). همچنین در پژوهش‌های دیگری روایی همگرایی نسخه فارسی مقیاس مشکلات رفتاری آخنباخ با استفاده از ضریب همبستگی با پرسشنامه شخصیتی نوجوانان آیسنک بین ۰/۳۹ الی ۰/۶۸ (۲۷)، فرم والد پرسشنامه علائم مرضی کودکان CSI-4 بین ۰/۱۵ الی ۰/۲۴ گزارش شده است (۲۶).

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد سن مادران شرکت‌کننده ۳۴/۴۹ (۴/۵۴) و میانگین و انحراف استاندارد سن پسران ۱۴/۵۴ (۲/۳۳) سال بود. همچنین از بین مادران شرکت‌کننده ۱۰ نفر (۱۲ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۱۸ نفر (۲۱ درصد) فوق‌دیپلم، ۴۳ نفر (۵۰ درصد) لیسانس و ۱۵ نفر (۱۷ درصد) فوق‌لیسانس بودند. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیر شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات ضدیت و نافرمانی، خلقی و اضطراب جدایی گزارش شده است. در جدول ماتریکس همبستگی و در جدول ۴ نتایج رگرسیون چندگانه گزارش شده است.

که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات نمره مجزا به دست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأیید شده است. بامریند (۵) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد؛ و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/07$). همچنین برای محاسبه پایایی از روش (باز آزمایی) استفاده کرد و نتایج زیر را به دست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری؛ او همچنین (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی به دست آورد (۲۴).

۲. پرسشنامه مشکلات رفتاری آخنباخ (Achenbach Youth Self-Report Scale)

برای بررسی اختلالات نوجوانان از مقیاس مشکلات رفتاری آخنباخ استفاده شد؛ مقیاس مشکلات رفتاری فرم خودگزارشی و دارای ۱۱۲ سؤال است که به منظور سنجش مشکلات رفتاری نوجوانان ۱۱ تا ۱۸ سال توسط آخنباخ و رسکورلا (۲۵) طراحی شده است. این مقیاس نه دسته از اختلالات رفتاری شامل ۱. اضطراب/افسردگی، ۲. گوشه‌گیری/افسردگی، ۳. شکایات بدنی، ۴. مشکلات اجتماعی، ۵. مشکلات تفکر، ۶. مشکلات توجه، ۷. رفتار قانون‌شکنی، ۸. رفتار پرخاشگرانه و ۹. سایر مشکلات رفتاری را مورد سنجش قرار می‌دهد. در این پژوهش از خرده مقیاس‌های گوشه‌گیری/افسردگی، مشکلات

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی، برای متغیر شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی	ضریب تحمل	تورم واریانس	دوربین واتسون
گوشه‌گیری/افسردگی	۵/۶۵	۳/۲۹	۰/۷۸	-۰/۲۳	۰/۶۶	۱/۵۶	
مشکلات اجتماعی	۴/۳۶	۴/۳۵	-۰/۵۴	۰/۱۸	۰/۷۴	۱/۵۲	۱/۸۲
رفتار قانونی شکنی	۴/۳۷	۳/۶۰	-۰/۳۸	-۱/۱۴	۰/۶۳	۱/۴۸	
رفتار پرخاشگرانه	۵/۲۰	۳/۵۲	-۱/۲۳	۰/۵۲	۰/۷۲	۱/۴۹	

-	-	-	-۰/۰۳	۰/۵۴	۷/۴۵	۲۱/۵۵	شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه
-	-	-	-۰/۳۸	-۰/۹۴	۶/۵۸	۲۴/۹۳	شیوه فرزند پروری مستبدانه
-	-	-	-۰/۵۰	۰/۶۶	۵/۹۸	۱۷/۶۳	شیوه فرزند پروری مقتدرانه

بین خطاها تأیید می‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نیز نشان‌دهنده از نبود همپوشی بین متغیرهای پیش‌بین دارد.

جدول فوق نشان می‌دهد که چولگی و کشیدگی بین ۲ ± قرار دارند؛ بنابراین توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش طبیعی است. مقدار دوربین واتسون در فاصله مجاز ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد؛ بنابراین مفروضه عدم وجود همبستگی

جدول ۲. ماتریکس همبستگی شیوه‌های فرزند پروری و مشکلات رفتاری نوجوانان

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱						
۲. شیوه فرزندپروری مستبدانه	۰.۰۹	۱					
۳. شیوه فرزندپروری مقتدرانه	۰.۵۲**	۰.۰۳	۱				
۴. گوشه‌گیری/افسردگی	-۰.۲۷**	-۰.۱۴	-۰.۱۲	۱			
۵. مشکلات اجتماعی	۰.۱۰	-۰.۲۶*	۰.۱۰	۰.۳۹	۱		
۶. رفتار قانونی شکنی	۰.۰۵	-۰.۴۶**	۰.۰۷	۰.۲۳*	۰.۵۹**	۱	
۷. رفتار پرخاشگرانه	۰.۴۱**	-۰.۱۰	۰.۰۵	۰.۲۲**	۰.۵۱**	۰.۴۱**	۱

نتایج جدول ۳ نشان داد که گوشه‌گیری/افسردگی و رفتار پرخاشگرانه با شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و بین مشکلات اجتماعی، رفتار قانونی شکنی با شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه منفی معناداری گزارش شد. خلاصه ضرایب رگرسیون چندگانه بررسی مشکلات رفتاری نوجوانان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

پیش‌بین	ملاک	R	R ²	F	B	Beta	T	Sig
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	گوشه‌گیری/افسردگی	۰/۲۹	۰/۰۸	۲/۶۵	-۰/۰۹	-۰/۲۷	-۲/۲۰	۰/۰۳
شیوه فرزندپروری مستبدانه					-۰/۰۴	-۰/۱۱	-۱/۱۱	۰/۲۶
شیوه فرزندپروری مقتدرانه					۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۱۹	۰/۸۴
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	مشکلات اجتماعی	۰/۲۶	۰/۰۷	۲/۸۰	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۷۹	۰/۴۳
شیوه فرزندپروری مستبدانه					-۰/۱۸	-۰/۲۷	-۲/۵۶	۰/۰۱
شیوه فرزندپروری مقتدرانه					۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۵۰	۰/۶۱
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	رفتار قانونی شکنی	۰/۴۸	۰/۲۳	۸/۱۹	۰/۰۳	-۰/۰۶	۰/۵۶	۰/۵۷
شیوه فرزندپروری مستبدانه					-۰/۲۶	-۰/۴۷	-۴/۴۸	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه					۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۵۱	۰/۶۰
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	رفتار پرخاشگرانه	۰/۴۸	۰/۲۳	۸/۳۱	۰/۲۶	۰/۵۵	۴/۸۲	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مستبدانه					-۰/۰۸	-۰/۱۴	-۱/۵۳	۰/۱۲
شیوه فرزندپروری مقتدرانه					-۰/۱۳	-۰/۲۲	-۱/۹۶	۰/۰۴۸

حال در رابطه‌ی خویش صمیمیت و محبت نشان می‌دهند. همچنین از رفتارهای محبت‌آمیز مانند در آغوش گرفتن یا بوسیدن کودک بیشتر استفاده می‌کنند. این والدین خود را در قبال کودک مسئول می‌دانند. از آن جایی که این والدین کودکان خود را تشویق کرده و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده را ترغیب می‌نمایند، کودکان آن‌ها از اعتماد به نفس و خودگردانی بالاتری برخوردارند. سبک مقتدرانه با روابط اجتماعی بیشتر، استدلال، محبت با رفتارهای مثبت رابطه دارند (۲۸).

بر اساس آنچه محققانی چون اریکسون، پیاز و دیگران درباره‌ی شرایط تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان یافته‌اند (۲۹)، به نظر می‌رسد زمانی که سبک فرزندپروری والدین از لحاظ مؤلفه‌هایی چون مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب است، بستر تحول نامناسب فراهم شده و در نتیجه موجب رفتارهایی می‌شود که به عنوان منفی برچسب خورده است. زمانی که این مؤلفه‌ها افزایش می‌یابد رفتارهای مثبت نیز افزایش می‌یابد که این شرایط عموماً با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد (دیاز، ۲۰۰۵). از سویی دیگر کاهش این مؤلفه‌ها که معمولاً با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه همراه است با کاهش رفتارهای مثبت مورد انتظار رابطه دارد. در سبک سهل‌گیرانه کمترین میزان ساختار موجود است. این والدین کنترل روی رفتار کودک خود ندارند، بنابراین اکثر این کودکان بی‌کفایت هستند. همچنین مؤلفه مراقبت نیز در این والدین کم است؛ بنابراین انتظار می‌رود این سبک فرزندپروری نیز با پیامدهای منفی و مشکلات برونی‌سازی شده از جمله اختلال لجبازی و نافرمانی و اختلال رفتاری و کرداری در کودک رابطه داشته باشد (۳۰).

نتایج تحقیقات درباره‌ی نقش سبک مستبدانه نیز نشان می‌دهد که در این سبک ساختار در حد بالایی وجود دارد به طوری که کنترل و سخت‌گیری بیش از حد موجب ایجاد ساختاری انعطاف‌ناپذیر می‌شود (۲۴). همچنین مؤلفه رابطه در این سبک پایین است و این والدین از تنبیه‌های سخت برای کنترل کودک استفاده می‌کنند، پیامدهایی که این سبک برای کودکان به همراه دارد، شامل رفتارهای منفی در قالب مشکلات برونی‌سازی شده مثل ضدیت و

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه قادر به پیش‌بینی گوشه‌گیری/افسردگی ($P=0/05$) و رفتار پرخاشگرانه ($P=0/01$) در نمونه‌های مورد پژوهش است؛ همچنین شیوه فرزند پروری مستبدانه قادر به پیش‌بینی مشکلات اجتماعی ($P=0/01$) و رفتار قانون‌شکنی ($P=0/01$) بوده و شیوه فرزند پروری مقتدرانه نیز توانست رفتار پرخاشگرانه ($P=0/05$) را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مشکلات رفتاری (گوشه‌گیری/افسردگی، مشکلات اجتماعی، رفتار قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگرانه) در این پژوهش با شیوه فرزندپروری رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه قادر به پیش‌بینی گوشه‌گیری/افسردگی و رفتار پرخاشگرانه؛ شیوه فرزند پروری مستبدانه قادر به پیش‌بینی مشکلات اجتماعی و رفتار قانون‌شکنی بوده و شیوه فرزند پروری مقتدرانه نیز توانست رفتار پرخاشگرانه را پیش‌بینی کند. نتایج به دست آمده حاکی از این است که مادران نمونه مورد پژوهش بیشتر شیوه فرزندپروری مستبدانه‌تر و سهل‌گیرانه‌تر را به کار می‌برند و کمتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های محققان دیگر از جمله بامرند (۵)؛ آشر (۲۷)؛ در خارج از ایران و رستمی و سعادت (۲۴)؛ صدر السادات و همکاران (۴) و صادق خانی و همکاران (۱۱) در داخل ایران هماهنگ و همسو است.

برای تبیین شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان دارای اختلال ضدیت و نافرمانی، رفتاری، خلقی و اضطراب جدایی، تحقیقات جدید روی مؤلفه‌های رابطه، مراقبت و ساختار تکیه کرده‌اند (۲۴). مسئولیت‌پذیری والدین و صمیمیت از عناصر مؤلفه‌های رابطه و مراقبت به شمار می‌روند و کنترل و محدودیت از عناصر ساختار محسوب می‌شوند. به طور کلی در سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه هر سه مؤلفه به میزان مناسب مشاهده می‌شوند. این والدین با درخواست‌های معقول برای کودک محدودیت ایجاد می‌کنند و بر رفتار وی کنترل و نظارت دارند. در عین

emotionally overinvolved expressed emotion: is EE a proxy for behavior? *J abnorm Child Psychol.* 2004; 32: 83-93.

3. Sadafi, E., Gorji, Y. The effect of educational ability of divorced mothers on their children's behavioral disorders. Master Thesis, Faculty of Education and Psychology, Khomeini Shahr Azad University, 2014 [Persian].

4. Sadrossadat S, Shams Esfandabad H, Emamipour S. Parenting and family functioning among irresponsible families, families with behavioral disorder children and normal families. *J Shahrekord Univ Med Sci.* 2005; 7 (2): 43-49 [Persian].

5. Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence And use. *Jurnal of early adolescence*, 11, 56-95.

6. Rubin, K.H., Stewart, S.L., & Chen, X. (1995). Parents of aggressive and withdrawn children. In: M. Bornstein (Ed.), *Handbook of Parenting*, Vol. 1. (pp 255-284). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

7. Steinberg, L., Lamborn, S. D., Darling, N., Mounts, N. S., & Dornbusch, S. M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritative, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 65, 754 – 770.

8. DeHart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H. (2006). What lies beneath: parenting style and implicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42, 1-17.

9. Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D. A., & Altobello, C. (2002). Development and validation of the parental authority questionnaire—revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 24, 119–127.

10. Haapasalo, J., & Tremblay, RE. (1994). Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 62, 1044-1052.

11. Sadeqkhani, A., Aliakbari Dehkordi, M., Asghar Kaku Jouybari, A. Disorder and Mothers of Normal Students of the Same Age in Ilam City. *Psychology of Exceptional Individuals*, 2012; 2(6): 95-114 [Persian].

12. Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. *Disabilities. The Internet Journal of Mental Health*, 1(2), 48-61.

13. Conger, R.D., Conger K.J., Elder G.H., Lorenz F.O., Simons R.L., & Whitbeck, L.B. (1992). A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child Development*, 6, 526-541.

نافرمانی و رفتاری و همچنین مشکلات درونی سازی مثل افسردگی شده است. به نظر می‌رسد به مرور زمان هرچه بیشتر این کودکان تحت تأثیر این نوع سبک فرزندپروری قرار گیرند کودکان مضطرب، گوشه‌گیر، افسرده و ناخشنود می‌شوند، بنابراین احتمال بروز مشکلات درونی سازی شده در آنان بالاتر می‌رود (۴). همان‌گونه که اشاره شد، هر یک از شیوه‌های فرزندپروری اثراتی بر رفتار کودکان دارد که در این میان اثرات مخرب و منفی شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه بیشتر است. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، ضرورت دارد که توجه بیشتری به اثرات شیوه‌های فرزندپروری و پیامدهای مخرب و منفی آن شود. لذا باید والدین را نسبت به این الگوهای تربیتی و اثرات هر یک از آنها بر کودکان، آگاه کرد. این آگاه‌سازی از طریق برگزاری کلاس‌های مهارت‌های فرزند پروری در مدارس و سراهای محله امکان‌پذیر است.

موازين اخلاقي

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است؛ همچنین به افراد درباره محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد.

تشکر و قدردانی

از همه شرکت‌کنندگان در پژوهش و همه کسانی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، روش‌شناسی، مفهوم‌سازی، گردآوری و تحلیل داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

1. Vahid, R., & Khanjani, Z. The Effectiveness of Parent Management Training on the Improvement of Parenting styles: Excessive Reaction of Mothers of children with ADHD. *Women and Family Studies*, 2014; 7(26): 91-108 [Persian].
2. McCarty CA, Lau AS, Valeri SM, et al., (2004). Parent- Child interactions in relation to critical and

- childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 369-383.
23. Hosseinpour, K. (1381). The effects of maternal parenting style on the symptoms of stress, anxiety and depression in children. Master Thesis, Faculty of Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, 2002 [Persian].
24. Rostami M, Saadati N. (2018). Role of maternal parenting styles in predicting oppositional defiant, behavior, conduct, mood, and separation anxiety disorders among students. *J Research Health*. 8 (5):418-424 [Persian].
25. Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA School-Age Forms & Profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Research Center of Children, Youth & Families.
26. Minaee A. Adaptation and standardization of Child Behavior Checklist, Youth Self-report, and Teacher's Report Forms. *JOEC*. 2006; 6 (1) :529-558 [Persian].
27. Asher, A. (2006). Exploring the Relationship BETWEEN parenting Styles and Juvenile Delinquency, A Thesis Submitted to the Faculty of Miami University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science Department of Family Studies and Social Work.
28. Taanila, A. (2002). Effects of family interaction on the child's behavior in single parent or reconstructed families. *Journal of Family Process*, 41(4), 693-708
29. Chang, L., Schwartz, D., Dodge, K. A., & Mc Bride-Chang, C. (2005). Harsh parenting In relation to child emotion regulation and aggression. *Journal of Family Psychology*, 17(4), 598-606.
30. Aunola, K., & Nurmi, J. (2005). The role of parenting style in children problem Behavior. *Journal of Child Development*, 76(6), 1144-1159.
14. Webster-Stratton, C. (2005). Aggression in young children: Services proven to be effective in reducing aggression. Reved. Tremblay RE, Barr RG, Peters RDeV, eds *Encyclopedia on Early Childhood Development*.
15. Dwairy, M., & Menshar, K. E. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 103-117.
16. Gimpel, G. A., & Holland, M. L. (2002). *Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years*. New York Guilford press.
17. Heller, T. L., Baker, B. L., Henker, B., & Hinshaw, P. (1996). Externalizing behavior and cognitive functioning from pre-school to first grade: Stability and predictors. *Journal of Clinical Child Psychology*, 25, 376-387.
18. Campbell, S. (1994). Hard to manage pre-school boys: Externalizing, social competence, and family context at two-year follow-up. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 22, 147-166.
19. Katanin, S. (1997). Childhood temperament and mother's child rearing attitude. *European Journal of personality*, 11, 249-265.
20. Galambos, N. L., Barker, E. T., & Almeida, D. M. (2003). Parents do matter: Trajectories of change in externalizing and internalizing problems in early adolescence. *Child Development*, 74, 578 – 594.
21. Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2006). Socialization processes. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366–428). New York: John Wiley and Sons.
22. Sameroff, A. (2004). Parental discipline and externalizing behavior problems in early

پرتال جامع علوم انسانی